



آرشیو وزارت خارجه آمریکا شواهد مستندی از ثروت «رضاشاه»

در بانک‌های خارجی به دست می‌دهد. براساس این سوابق، سپرده‌های بانکی رضاشاه در لندن متجاوز از ۲۰ میلیون لیره (۱۰۰ میلیون دلار)

بود که احتمالاً رقم واقعی آن ۲۵ میلیون لیره (۱۲۵ میلیون دلار) بوده است.

آمار مربوط به دارایی‌های خارجی در ایلات متحده در سال ۱۹۴۱ نشان می‌دهد دارایی‌های رضاشاه در این کشور به هنگام سرکناری‌اش حداقل ۱۸/۵ میلیون دلار بود. از گزارش دیپلمات‌های آمریکایی در سوئیس نیز می‌توان نتیجه گرفت موجودی حساب‌های رضاشاه نزد بانک‌های سوئیسی بسیار قابل ملاحظه بوده است.

علاوه بر این، سال ۱۹۴۱، شاه نزدیک به ۵۰ میلیون دلار سپرده نیز نزد بانک‌های ایرانی داشت. تنبأبراین، شاه حداقل ثروتی بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار در بانک‌های لندن، نیویورک، سوئیس، تهران و تورنتو برای خودش انباشته بود. این پول به نرخ امروز رقم فاشی خواهد شد، البته جدای از سهام و اوراق قرضه‌اش در آمریکا و اروپا.

املاک وسیع، زمین‌های کشاورزی، بنگاه‌های صنعتی و بازرگانی، و صد البته عالی‌ترین بخش از جواهرات سلطنتی باستانی ایران آکه به سرتقت برده بود[۱]. این دزدی، چه با معیارهای نسبی و چه مطلق، از بزرگ‌ترین دزدی‌هایی است که یک نفر در طول تاریخ انجام داده است. این مساله همچنین نشان می‌دهد غارت ثروت یک ملت، سپس حفظ و انتقال آن به نسل بعد چقدر ساده است. در زمان پر کناری و فرار رضاشاه در سپتامبر ۱۹۴۱، حدس و گمان‌های بی‌پایانی درباره مبالغ هنگفتی که از قرار معلوم شاه مملکت در بانک‌های خارجی انباشته بود، وجود داشت. «دریغوس» وزیرمختار آمریکا در تهران، سردرگمی و فریبکاری دیگر درباره این مساله را اینگونه توصیف می‌کند: حدس و گمان و اخبار کذب درباره سپرده‌های خارجی شاه سابق تمامی ندارد، و برخی می‌گویند این سپرده‌ها سر به صدا میلیون دلار می‌گذارد. حرف و حدیث‌هایی که درباره این سپرده‌های خارجی بر سر زبان‌هاست دقیقاً شبیه همان گیچی و سر درگمی محافل دولتی است، زیرا مقامات هر چیز زبده نمی‌دانند و کارشان حدس و گمان است. سخن‌گویان و نویسندگان یگ روز می‌گویند اقداماتی برای حفظ این سپرده‌ها صورت گرفته و روز بعد می‌گویند براساس تحقیقات اصلاً چنین سپرده‌هایی وجود ندارد، و روز بعد از آن دوباره همان حرف‌های اول‌شان را تکرار می‌کنند یا حرف‌های دیگری می‌زنند.

حقیقت امر این است که تا به حال هیچ مدرکی دال بر وجود هیچ سپرده‌ای در بانک‌های خارجی یا مالکیت املاک و اموال یا اشتیاق قیمتی در کشورهای دیگر ارائه نشده است. رئیس‌الوزرا در تاریخ ۲۸ سپتامبر به مجلس اطلاع داد به منظور تسکین نگرانی مردم از این بایت، دولت سندی محضری به امضای شاه سابق رسانده است که به موجب آن اگر پولی در بانک‌های خارجی داشته باشد همراه با بقیه امولش به شاه آکتونی انتقال یابد… شایان ذکر است تا به حال هیچ حرفی درباره انتقال سهام و اوراق قرضه‌ای که شایید شده سابق در کشورهای خارجی داشته باشد، زده نشده است. دولت‌های انگلیس و ایران، بویژه «محمدعلی فروغی» رقیق شفیق رضاشاه، در پنهان ساختن حساب‌های خارجی او نقش بسزایی داشتند. انگلیسی‌ها که

همدست رضاشاه بودند، منافع گسترده‌ای در پنهان ساختن بزرگی این غارت عظیم داشتند. همینطور، فروغی در فساد با رضاشاه همدست بود و از رشوه‌ها و پیشکش‌ها سهم می‌برد. ایرانی‌هایی که در انتقال پول به بانک‌های خارجی به رضاشاه کمک کرده بودند و اطلاعاتی از این موضوع داشتند، همگی در ایران و در پست‌های عالی‌شان باقی ماندند. همه رؤسای سابق بانک ملی و رؤسای کمیسیون اسعار خارجی وزارت مالیه نیز در ایران بودند، و اکثر آنها همچنان در مناصب عالی به خدمت(!) ادامه دادند. تا عنی از وزرای کابینه فروغی، یعنی «عیبعلقی گلشایبان» و «یدالله هاشمی» قبلاً ریاست کمیسیون اسعار خارجی را بر عهده داشتند. ۲ شخص دیگر که هم از سال ۱۹۳۳ سال‌ها رئیس بانک ملی ایران بودند- یعنی ژنرال «رضاقلی امیرخسروی» و «محمدعلی فرزین»- نیز در ایران ماندند. چنانکه در زیر اشاره خواهد شد، همین امیرخسروی مأمور ابلاغ دستورالعمل رضاشاه برای انتقال وجوه از بانک میبدلند آکه در آمده‌های نفتی ایران در آن نگهداری می‌شد] به حساب‌های شخصی‌اش در بانک وست‌مینستر بود. این اشخاص حتماً از حساب‌های خارجی رضاشاه خبر داشتند ولی همه آنها سکوت اختیار کردند، زیرا واضح بود که با پادشاهی پسر رضاشاه

در طول جنگ مسدود کرده بود». پس از مرگ رضاشاه در ماه جولای ۱۹۴۴، پسر و جانشینش، «محمدرضاشاه» این پول را به ارث برد. مطلب فوق بعدها از سوی منبعی تأیید شد که هیچکس فکرش را نمی‌کرد. پاییز سال ۱۹۵۷، «رضا افشار» که در دوران حکومت رضاشاه چندین پست مهم، از جمله استانداری گیلان را داشت، به ایالات متحده سفر کرد. افشار که در آن زمان مدیرعامل شرکت هواپیمایی ایران بود آکه بعدها به هواپیمایی ملی ایران (ایران ایر) تبدیل شد[۲ وقتی در واشنگتن به سر می‌رَد، سری هم به وزارت خارجه آمریکا زد. خلاصه‌ای از صحبت‌های او با «مورات دلبلیو ویلیامز»، «گرت نی» «موزز» و «هلوارد جی اشغورد» در یکی از یادداشت‌های محرمانه آن وزار تخته ثبت شده است. انگلیسی‌ها به موجب محدودیت‌هایی که برای انتقال ارز و سرمایه از زمان شروع جنگ دوم جهانی وضع شده بود، پول شاه را مسدود کرده بودند.

شاه می‌توانست با خرید هواپیما و سایر تجهیزات از انگلیس و پرداخت هزینه آن به پوند، معادل آن را به دلار یا هر ارز قابل تبدیل دیگری نظیر فرانک سوئیس از دولت ایران دریافت کند. خرید گسترده تجهیزات انگلیسی در طول دهه ۱۹۵۰ از جمله چندین هزار تراکتور «سی- هریس» که بین سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵ خریداری و ظاهراً هزینه آنها از حساب شاه در لندن پرداخت شد، حکایت از مبالغ هنگفتی دارد که در حساب‌هایش در لندن انباشته شده بود. هزینه ناوگان اتوبوس‌های ۲ طبقه لیلاند برای تهران نیز (که ۵ میلیون لیره خرج برداشت) از همین حساب پرداخته شد. علاوه بر این، در یادداشت مزبور می‌خوانیم به ظن قوی برای مدتی از موجودی این حساب برای خرید هواپیماهای انگلیسی استفاده می‌شد؛ از جمله هواپیمایی که به نام باشگاه هوایی ایران برای نیروی هوایی شاهنشاهی ایران خریداری شد: «او افشار ا ز نقش ژنرال «گیلان‌شاه» فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، در مقام ریاست باشگاه هوایی و این که باشگاه هم‌بانک از ۲ هواپیما انگلیسی یونپور که اخیراً خریداری شده است برای کنترل کیفیت ترافیک هوایی و جمع‌آوری عوارض مربوط در ایران می‌خواهد استفاده کند، شدیدا شکوه و گلايه داشت.» حتی پس از همه این خریدها باز هم ۲۰ میلیون لیره در حساب‌های شاه در لندن باقی مانده بود. صنعت هواپیمایی ایران که در دهه ۱۹۳۰ ایزار و بهانه‌ای برای سرازیر شدن در آمده‌های نفتی ایران به حساب‌های بلکی رضاشاه در لندن بود، در دهه ۱۹۵۰ نیز بهانه‌ای برای تبدیل این سپرده‌های استرلینگ به دلار و فرانک سوئیس شده بود. یک بار دیگر، بریتانیا و خاندان پهلوی برنده و مردم ایران بازنده بودند. علاوه بر این، با توجه به تاریخ گفت‌وگوهای افشار و محدودیت‌های ارزی که انگلیسی‌ها از سال ۱۹۲۹ وضع کرده بودند، هیچ شکی نیست که این پول بخشی از در آمده‌های نفتی ایران بود که رضاشاه دزدیده بود.

ثروت رضاشاه در نیویورک

شایعه انتقال مبالغ هنگفت پول از طرف رضاشه به بانک‌های آمریکایی در تهران بر سر زبان‌ها افتاده بود. ژوئن ۱۹۴۱، متعاقب صدور حکم اجرائی رئیس‌جمهور روزولت، وزارت خزانه‌داری اقدام به تهیه آمار از دارایی‌های خارجی در ایالات متحده تا ۱۴ ژوئن ۱۹۴۱ کرد. نتایج این آمارگیری که سال ۱۹۴۵ منتشر شد، برآورد نسبتاً دقیقی از دارایی‌های رضاشاه در ایالات متحده در هنگام سقوطش به دست می‌دهد. کل دارایی‌های اتباع ایرانی بالغ بر ۱۸/۵ میلیون دلار بود. از این مبلغ ۱۴/۱ میلیون دلار شامل سپرده‌های بانکی و شش‌های طلایی بود که در بانک‌های تجاری نگهداری می‌شد. واضح بود که این ثروت همان درآمد نفتی ایران است که از کانالاً به آمریکا انتقال یافته بود. مبلغ ۴/۴ میلیون دلار باقیمانده نیز تقریباً به طور کامل شامل سهام و اوراق قرضه بود که در ریغوس در گزارشش به آن اشاره کرده بود. البته شکی نیست که تقریباً کل دارایی اتباع ایرانی در بانک‌های آمریکا بود که به رضاشاه تعلق داشت. هم‌زمان با انتقال پول به نیویورک، ارزش مبلغ هنگفتی پول نیز به بانک‌های سوئیس وارز می‌شد. چنانکه در ادامه اشاره خواهد شد، از آوریل ۱۹۴۳ به این سو، محمدرضاشاه، پسر و جانشین رضا شاه نیز شروع به انتقال مبالغ هنگفتی پول به نیویورک کرده بود. به‌رغم حواله‌های جدید از تهران به نیویورک، اکتبر ۱۹۴۳ رضاشاه تصمیم‌هایش برای دریافت بانک‌های آمریکا به ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۱۳۲۵۹ دلار (از ۱۴/۱ میلیون دلار در سال ۱۹۴۱) کاهش یافته بود که حکایت از ادامه روند انتقال پول به بانک‌های سوئیس دارد. از سوی دیگر، موجودی رسمی متعلق به دولت ایران از تقریباً صفر در سال ۱۹۲۹ به ۲۱۱۴۵۰۰۰ دلار افزایش یافته بود. این مبلغ نتیجه تبدیل ۶۰ درصد در آمده‌های نفتی ایران برای سال‌های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ به دلار بود که در موافقتنامه سال ۱۹۴۴ بین انگلیس و ایران پیش‌بینی شده بود. پس از مرگ رضاشاه در ماه جولای ۱۹۴۴، ۲ مساله موجب اختلاف و درگیری در میان وراثتش شده بود، اول، ادعای دزدی جواهرات سلطنتی ایران به دست اطرافیان رضاشاه، و دوم تقسیم پول‌هایی که رضاشاه در بانک‌های آمریکایی داشت. همسر سوم رضاشاه، «توران غلامرضایی» (ملکه توران) این مسائل را در نامه‌هایی که برای پسرش «امیررضا پهلوی» می‌فرستاد شرح داده است. این نامه‌ها که در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶، یعنی کمی پس از مرگ رضاشاه و زمانی که غلامرضا دانشجوی دانشگاه برینستون بود، نوشته شده‌اند، اخیراً به همراه اسناد و مدارک دیگری در تهران به چاپ رسیده‌اند. این نامه‌ها علاوه بر روشن کردن برخی مسائل، وجود حساب‌های بانکی متعلق به پسر در نیویورک را نیز تأیید می‌کنند. ملکه توران چندین بار به پسرش شکوه و گلايه می‌کند که ملکه «تاج‌الملوک» و فرزندانش (محمدرضا، شمس، اشرف و-) او را فریب داده و از سهمی که باید از ثروت رضاشاه نصیبش می‌شد محروم کرده‌اند. ملکه توران این پیشنهادهای نامعقول را به پسرش غلامرضا کرده بود که شکایت‌نامه‌ای رسمی برای مجلس فرستد و ادعا کند برادران و خواهرانش با فریب او را از ارث محروم کرده‌اند. این نامه‌ها همچنین فاش می‌کند «حسین غلام» سفیر جدید ایران در ایالات متحده و جانشین «محمد شایسته» در سال ۱۹۴۵، مأموریت یافته بود در ارتباط با تقسیم پول شاه در میان وراث رضاشاه با بانک‌های آمریکایی تماس بگیرد. یک سال بعد از مرگ رضاشاه، ملکه توران به پسرش نوشت: از منابع مختلف شنیدم که علاوه‌ب‌جز وظیفه رسمی سفارت، مأموریت دیگری می‌دارد، که به ثروت رضاشاه در بانک‌های آمریکا مربوط می‌شود. عزیزم، چشم و گوشت را خوب باز کن و نگذار حوادثی که بعد از فوت پدرت اتفاق افتاد تکرار شود. یادت باشد آن آدم‌های رذل چگونه پس از فوتش

جواهراتش را دزدیدند و حالا دارند در ناز و نعمت در تهران زندگی می‌کنند… . حالا که علا به آمریکا آمده، برو و ببینش و صادقانه با او حرف بزن و وضعیت را توضیح بده. در تهران با علا حرف زده‌ام و از جریان باخبرش کرده‌ام. براساس گزارش‌های سری وزارت خارجه آمریکا، علامشکلات عدیده‌ای با حمیدرضای ۱۵ ساله، کوچک‌ترین پسر رضاشاه پیدا کرد. حمیدرضا چندین بار از مدرسه شبانه‌روزی‌اش در نیویورک آروادیلندآ گرخت و به پاریس رفت و تهدید می‌کرد باز هم این کار را تکرار خواهد کرد. در گزارشی که درباره این «شاهزاده گریزبا» وجود دارد آمده است که او «در زمان عزیمت قبلی‌اش اِبه پاریس ا پول قابل ملاحظه‌ای داشته است که منشأ آن معلوم نیست».

البته یافتن منشأ آن چندان هم زحمت نداشت.

حساب‌های بانکی رضاشاه در سوئیس

بالاخره اینکه شواهد و مدارک حکایت از آن دارد که وجوه انتقالی از نیویورک به بانک‌های سوئیس به حساب رضاشاه وارز می‌شد. سپتامبر ۱۹۴۱، براساس مجموعه گزارش‌هایی که از شبکه خبرپرکنی بریتانیا آبی بی‌اس انتشار یافت، رضاشاه مبالغ هنگفتی در بانک‌های خارجی سپرده‌گذاری کرده بود. وقتی رضاشاه از این اخبار مطلع شد، لبخند تلخی زد و گفت: «فقط مبلغ بسیار کمی (۳–۲هزار پوند) در یک بانک سوئیسی دارم که باقیمانده پولی است که برای

تحصیل پسرم آنجا فرستاده بودم». با وجود این، گزارشی که «هنری اس‌ویلارد» پس از انتشار این اخبار به وزارت خارجه آمریکا فرستاد نشان می‌دهد رضاشاه واقعا مبالغ هنگفتی به بانک‌های سوئیس منتقل کرده بود. ویلارد که از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲ کنسول آمریکا در تهران بود و سپس در بخش امور خاور نزدیک وزارت امور خارجه مشغول به خدمت شده بود، سال ۱۹۵۹ نمایندگی ایالات متحده را در اجلاس سازمان‌های بین‌المللی در ژنو بر عهده داشت. محمدرضاشاه پهلوی، پسر و جانشین رضاشاه از ۲ مه تا ۵ مه ۱۹۵۹ به ژنو سفر کرده بود. ویلارد که هنوز به مسائل ایران علاقمند بود، در گزارشی دیدار شاه را شرح داده است. با توجه به گزارش ویلارد، انتقال وجوه از نیویورک به بانک‌های سوئیس توسط رضاشاه و این حقیقت که کمیسیون خرید ارش ایران در سوئیس سفارت خود اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند از قرار معلوم بانک‌های سوئیس در غارت اموال مردم ایران، فعالانه شرکت داشتند. پس از آنکه شاه آگوست ۱۹۵۳ به ایتالیا گریخت و پیش از آنکه با یک کودتای آمریکایی دوباره به قدرت برسد، مطبوعات ایتالیا و سوئیس مقصد نهایی شاه سابق (این اصطلاحی است که آنها استفاده می‌کردند) را سوئیس اعلام کردند. ظاهراً به این دلیل که سوئیس یک کشور بی‌طرف بود و شاه سابق نیز در آنجا تحصیل کرده بود ولی دلیل واقعی، آن بود که بخشی از ارث پدری‌اش (و صدا البته آن ۲–۳ پوند) در بانک‌های این کشور نگهداری می‌شد.

حساب‌های بانکی رضاشاه در داخل کشور

با فرار رضاشاه از ایران در سپتامبر ۱۹۴۱، مردم ایران توانستند گوشه‌ای از ثروت کلان او را که اولی سسال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۱ روی هم انباشته بود، ببینند. دریغوس گزارش می‌دهد، در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱، «محمدعلی فروغی» رئیس‌الوزرا به مجلس اطلاع داد سپرده‌های نقدی رضاشاه در بانک ملی «مبلغ باورنکردنی ۶۸۰ میلیون ریال (۴۲/۵ میلیون دلار) است.» (در ریغوس که عالی‌رتبه‌ترین دیپلمات آمریکایی در ایران بود، سالانه ۸ هزار دلار حقوق می‌گرفت). دریغوس در ادامه می‌نویسد: «هر واقع چیز ارزشمندی در کشور د نبود که او راضا ششاه» آن علاقه‌مند نباشد. حرص و طمع او حد و حصری نداشت و علاوه بر تملک بخش عظیمی از مازندران، املاکی را در شهرهای دیگر خریده، هتل‌هایی بنا کرده و کارخانه‌هایی برای خود ساخته بود… شایان ذکر است، شاه سابق هر قطعه زمینی را که دل هوس‌یازش می‌خواست با تهدید رسمی یا ضمنی مالکانش به تصرف خود در می‌آورد و هر قدر دلش می‌خواست بلیت آن می‌پرداخت که معمولاً کمی بیش از یک‌دهم یا یک‌دوازدهم ارزش ملک بوده هر چند می‌گویند در برخی موارد فقط یک‌هشم قیمت ملک را پرداخته بود». آنچه دریغوس نمی‌دانست این بود که فروغی و وزیر مالیه، گلشایبان، یا خبر نداشتند با عمداً به مجلس اطلاع ندادند که این مبلغ فقط موجودی حساب پس‌انداز رضاشاه در بانک ملی است. رضاشاه یک حساب جاری نیز در همان بانک داشت که موجودی آن «فقط» ۸۵ میلیون ریال (۵/۳ میلیون دلار) بود. اگر به دلیل اصرار خود رضاشاه (در تبعید) نبود که این مبلغ (یعنی موجودی حساب جاری‌اش) به دلار تبدیل و برای او فرستاده شود، شاید مورخان هرگز از وجود چنین پولی خبردار نمی‌شوند. رضاشاه در نامه‌ای که از جزیره مورس به پسر و جانشینش فرستاده بود او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شد[۱ نشان می‌دهد به‌رغم مبالغ هنگفتی که در بانک‌های خارجی انباشته بود، نمی‌توانست از این ۵/۳ میلیون دلار بگذرد: «ساله دیگری که باید بگویم این است که مدتی است که پولی از ایران ا برایم فرستاده‌اند. وقتی از ایران رفتم، بیشتر از ۸۵ میلیون ریال در حساب جاری‌ام در بانک ملی پول داشتم. این پول را در اختیار (محمود) جم گذاشتم تا در صورت نیاز برام بفرستد. بعد از مدتی از جم نامه‌ای به دست ما رسید که دارد به مأموریت می‌رود، و آن پول را در اختیار شما گذاشته است. هنوز این پول را به از تبدیل نکرده و برام فرستاده‌اند. بنابراین می‌را منظر نگذار و ترتیب تبدیل آن را به از بده و پول را برام بفرست.»

نگاهی به ثروت‌اندوزی پهلوی اول بر اساس آرشیو وزارت خارجه آمریکا

شاه‌دزد!

اقدام شاه جدید برای حواله پول توسط پست دیپلماتیک

اسناد و مدارک وزارت خارجه آمریکا که اخیراً از طبقه‌بندی خارج شده است حکایت از آن دارد که محمدرضاشاه کمی پس از گرفتن جای پدرش، به انتقال پول از ایران به بانک‌های ایالات متحده ادامه داد و با جای پای پدرش گذاشت. ماه مارس ۱۹۴۳ شاه جدید حسابی با سپرده یک میلیون دلار به نام خودش در بانک «گارتنی تراست» نیویورک باز کرد. شواهد باقیمانده از اقدام فوق به این دلیل است که شاه برای ارسال اوراق به نیویورک از سفارت آمریکا در تهران برای استفاده از پست دیپلماتیک کمک خواسته بود. ۱۰ مارس ۱۹۴۳ «لویییس جی دریغوس» وزیرمختار آمریکا در تهران، تلگرم کاملاً محرمانه‌ای برای وزیر خارجه آمریکا فرستاد. کفیل وزارت خارجه، وزن پاسخ داد: «کاملاً محرمانه، فقط وزیرمختار رمزگشایی کند. تلگرم شماره ۲۵۵ ششما، مورخ ۱۰ مارس وزارت گمان می‌کند پول مورد نظر جزو اموال شخصی مشروع شاه است. اگر این مساله صحت داشته باشد، مجازیه نامه مورد نظر را با پست دیپلماتیک ارسال کنید. ولز». به‌رغم ۲۰ سال گزارش‌های دیپلماتیک سفارت آمریکا در تهران درباره نحوه ثروت‌اندوزی رضاشاه و به‌رغم اطلاع وزارت خارجه آمریکا از اینکه در آمده‌های نفتی ایران به حساب‌های شخصی شاه در نیویورک و اروپا سس‌زای می‌شد، وزارت خارجه آمریکا گمان می‌کرد «پول مورد نظر جزو اموال شخصی مشروع شاه است.» علاوه بر این، همین دریغوسی که روزی نوشته بود «شاه سابق هر قطعه زمینی را که دل هوس‌یازش می‌خواست با تهدید رسمی یا ضمنی مالکانش به تصرف خود درمی‌آورد»، هم‌بانک این فرض را می‌پذیرد که پول حاصل از شیوه‌های فوق، کاملاً مشروع بوده است. تقاضای شاه و نامه مدیر کل و حسابدار کل بانک شاهنشاهی ایران، به تاریخ ۷ مارس، توسط پست دیپلماتیک آمریکا به بانک گارتنی‌تراست فرستاده شد:

«به پیوست تقاضای اعلیحضرت شاهنشاه محمدرضا شاه پهلوی، شاه ایران برای افتتاح یک حساب جاری به نام خودش در بانک شما ایجاد می‌گردد. اطمینان دارد با تقاضای اعلیحضرت هماهمنی موافقت خواهد شد و بدینوسیله مجاز هستید حسابی را که نزد شما داریم به مبلغ ۱۷۰۰۰/۰۰۰ دلار- یک میلیون دلار- بلیت وارز به حساب ایشان بدهکار نمایید. موجب امتنان خواهد بود که تمام مراسلات مربوط به این حساب را کاملاً محرمانه تلقی کرده و هر گونه مکاتباتی را با قید عبارت محرمانه برای ما ارسال کنید تا به طور مقتضی تسلیم اعلیحضرت کنیم. پس از دریافت این نامه لطفاً افتتاح حساب را با تلگراف تأیید فرمایید و لطفاً یک نسخه چک نیز برای مان بفرستید تا برای استفاده اعلیحضرت در اختیار ایشان قرار بگیرد. توضیح: پیشنهادهای می‌کنیم تمام مکاتبات مربوط به این مساله را به دفتر لندن بفرستید تا آنها مکاتبات را برای‌مان ارسال کنند». در تقاضای شاه موجودی افتتاحیه حساب یک میلیون دلار عنوان شده است که «از طریق بانک شاهنشاهی ایران پرداخت خواهد شد». «پاول اچ‌لینگ» که جانشین «والاس موری» در پست ریاست بخش امور خاور نزدیک شد، ۱۹ آوریل تقاضانامه را به همراه مدارک پیوست برای بانک گارتنی تراست ارسال کرد. در همان روز، وزارت امور خارجه این تلگرم کاملاً محرمانه را فرستاد: «به وزیرمختار آمریکا، تهران، وزیر امور خارجه دریافت گزارش شماره ۴۹۱ مورخ ۱۸ مارس ۱۹۴۳ وزیرمختار به ضمیمه نامه بانک شاهنشاهی ایران به گارتنی تراست کمپانی نیویورک را تأیید شده است.» و در نهایت در تاریخ ۲۱ آوریل، «هارولد افاندرسن» معاون دوم بانک گارتنی تراست نیویورک نیز به الینگ پاسخ داد. اسناد و مدارک حاکی از آن است که سپرده یک میلیون دلاری شاه به حسلبان در بانک گارتنی تراست وارز شد. انتقال پول به نیویورک از طریق بانک شاهنشاهی ایران آکه متعلق به انگلیس بود[۱ از سال ۱۹۴۳ ادامه یافت تا اینکه دکتر مصدق این بانک را از وزارت خارجه به خروج از ایران کرد. از آن زمان به بعد، بر اساس اسناد وزارت امور آمریکا، پست دیپلماتیک این وزار تخانه یک بار دیگر به وسیله‌ای برای انتقال پول اعلیحضرت با بانک‌های نیویورک شد. در زمانی که به دلیل جنگ و اشتغال خاک ایران توسط نیروهای خارجی، مردم ایران با قطعی مواجه بودند و با درد و رنج روزگار می‌گذرانند، شاه جدید آن موقع ۲۴ سال داشت و با جای پای پدرش گذاشته بود، مشغول انتقال پول به بانک‌های خارجی، بویژه بانک‌های آمریکا بود. می‌توانیم

نتیجه بگیریم در طول ۲۵ سال بعد او مبالغ هنگفتی از پول مملکت را به خارج انتقال داد. البته مسلم بود که نقش وزارت خارجه آمریکا در تسهیل این جبه‌جایی‌ها نقش اشکل قوانین آمریکا به حساب می‌آمد، زیرا آن وزارتخانه شواهد فراوانی در دست داشت که نشان می‌داد پول فوق از راه غیرمشروع به دست آمده و حقاً به مردم ایران تعلق دارد. چیرا دولت ایالات متحده آنقدر مشتاق محافظت و کمک به محمدرضاشاه و رژیمش بود، آنهم تا حدی که حتی انتقال پول‌ها را نیز برایش تسهیل می‌کرد؟ پاسخ کوتاه به این مساله را می‌توان در حکم اجرائی رئیس‌جمهور «فرانکلین دی. روزولت» یافت که ۱۰ مارس ۱۹۴۲ صادر شد و در آن آمده است: «دفاع از حکومت ایران در راستای دفاع از ایالات متحده، امری حیاتی است». در طول ۳۷ سالی که تا پیروزی انقلاب اسلامی سپری شد، ایالات متحده جای بریتانیا را در حکم محافظ رژیم پهلوی گرفت.

منبع: دکتر محمدقلی مجد، رضاشاه‌وبر بریتانیا

شاهنشاهی ایران پرداخت خواهد شد. «پاول اچ‌لینگ» که جانشین «والاس موری» در پست ریاست بخش امور خاور نزدیک شد، ۱۹ آوریل تقاضانامه را به همراه مدارک پیوست برای بانک گارتنی تراست ارسال کرد. در همان روز، وزارت امور خارجه این تلگرم کاملاً محرمانه را فرستاد: «به وزیرمختار آمریکا، تهران، وزیر امور خارجه دریافت گزارش شماره ۴۹۱ مورخ ۱۸ مارس ۱۹۴۳ وزیرمختار به ضمیمه نامه بانک شاهنشاهی ایران به گارتنی تراست کمپانی نیویورک را تأیید شده است.» و در نهایت در تاریخ ۲۱ آوریل، «هارولد افاندرسن» معاون دوم بانک گارتنی تراست نیویورک نیز به الینگ پاسخ داد. اسناد و مدارک حاکی از آن است که سپرده یک میلیون دلاری شاه به حسلبان در بانک گارتنی تراست وارز شد. انتقال پول به نیویورک از طریق بانک شاهنشاهی ایران آکه متعلق به انگلیس بود[۱ از سال ۱۹۴۳ ادامه یافت تا اینکه دکتر مصدق این بانک را از وزارت خارجه به خروج از ایران کرد. از آن زمان به بعد، بر اساس اسناد وزارت امور آمریکا، پست دیپلماتیک این وزار تخانه یک بار دیگر به وسیله‌ای برای انتقال پول اعلیحضرت با بانک‌های نیویورک شد. در زمانی که به دلیل جنگ و اشتغال خاک ایران توسط نیروهای خارجی، مردم ایران با قطعی مواجه بودند و با درد و رنج روزگار می‌گذرانند، شاه جدید آن موقع ۲۴ سال داشت و با جای پای پدرش گذاشته بود، مشغول انتقال پول به بانک‌های خارجی، بویژه بانک‌های آمریکا بود. می‌توانیم

نتیجه بگیریم در طول ۲۵ سال بعد او مبالغ هنگفتی از پول مملکت را به خارج انتقال داد. البته مسلم بود که نقش وزارت خارجه آمریکا در تسهیل این جبه‌جایی‌ها نقش اشکل قوانین آمریکا به حساب می‌آمد، زیرا آن وزارتخانه شواهد فراوانی در دست داشت که نشان می‌داد پول فوق از راه غیرمشروع به دست آمده و حقاً به مردم ایران تعلق دارد. چیرا دولت ایالات متحده آنقدر مشتاق محافظت و کمک به محمدرضاشاه و رژیمش بود، آنهم تا حدی که حتی انتقال پول‌ها را نیز برایش تسهیل می‌کرد؟ پاسخ کوتاه به این مساله را می‌توان در حکم اجرائی رئیس‌جمهور «فرانکلین دی. روزولت» یافت که ۱۰ مارس ۱۹۴۲ صادر شد و در آن آمده است: «دفاع از حکومت ایران در راستای دفاع از ایالات متحده، امری حیاتی است». در طول ۳۷ سالی که تا پیروزی انقلاب اسلامی سپری شد، ایالات متحده جای بریتانیا را در حکم محافظ رژیم پهلوی گرفت.

منبع: دکتر محمدقلی مجد، رضاشاه‌وبر بریتانیا

